

DOI: 10.30512/kq.2021.14569.2796

شیوه موسی (ع) در مدیریت روانی ناسازگاری‌های بنی اسرائیل و فرعون بر اساس مفهوم «دفاع روانی»*

حسین هاشم‌نژاد^۱

جعفر گل محمدی^۲

زهرا علیمرادی^۳

چکیده

پژوهش حاضر رفتار موسی (ع) نسبت به رفتارهای ناسازگار بنی اسرائیل و فرعون را تحلیل می‌کند. اینکه «راهکارهای موسی (ع) برای مدیریت روانی جامعه، نسبت به ناسازگاری‌هایی که با مفهوم دفاع روانی قابل تحلیل اند، چیست؟» بر این اساس، دفاع‌های ناسازگارانه این افراد با استفاده از «روش کیفی تحلیل متون» در مباحث مربوط به مکانیزم‌های دفاع روانی، استخراج گردید و مقوله‌بندی و تحلیل شد. همچنین، برای اصطیاد شیوه‌های مدیریت روانی در مواجهه با رفتارهای ناسالم، از «روش‌های متعارف در علوم اسلامی» و با رعایت «ضوابط و قواعد تفسیر» در فهم قرآن کریم استفاده شد. از نتایج این مطالعه، تبیین دو سازوکار «دلیل تراشی و فرافکنی» در بنی اسرائیل، سه سازوکار «فرافکنی، بی‌ارزش‌سازی و همه‌کارخوانی» در فرعون و هفت روش مدیریت توسط موسی (ع) است. راهکار «اطمینان بخشی» بین روان‌شناسی و آموزه‌های قرآنی مشترک و شش روش جدید شامل «مدارا برای حساسیت‌زدایی، آگاه‌سازی، داستان‌سازی، شرکت‌دادن توجیه‌گران در کار، محرومیت از امتیازات و تغییر محیط» است.

واژگان کلیدی: اضطراب، مکانیزم دفاع روانی، دلیل تراشی، فرافکنی.

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰ (مقاله پژوهشی)

۱. استادیار دانشگاه تهران، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی (نویسنده مسئول) / hashemnezhad48@ut.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه تهران، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی / gmohamad@ut.ac.ir

۳. استاد مدعو گروه مطالعات اسلامی به انگلیسی، جامعه المصطفی (ص)، بخش مجازی، قم / z.alimordi@ut.ac.ir

۱- مقدمه

با نگاه روان‌شناختی به تعامل‌های رفتاری و گفتاری شخصیت‌های قصص قرآن کریم، دسته‌ای خاص از کنش و واکنش‌ها قابل ردیابی است که با مفهوم روان‌شناختی «دفاع روانی» قابل تحلیل است. دفاع روانی، پاسخ‌های روانی انسان به هنگام رویارویی با تکانه‌های ناخوشایند برای تقلیل اضطراب در اوست. از مرور پیشینه پژوهش در زمینه رابطه بین بهزیستی روان‌شناختی و مکانیزم‌های دفاعی، نتایج بیان‌گر آن است که افرادی که از بهزیستی روان‌شناختی بالاتری برخوردار هستند، از مکانیزم‌های دفاعی پخته‌تر استفاده می‌کنند (احدی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۲). در پژوهش حاضر، به گونه مصداقی و مشخص‌الگوی بروز این موارد در نوع ویژه‌ای از عناصر روان‌کاوی با عنوان مکانیزم‌های دفاعی، در قوم بنی‌اسرائیل ارائه و تشریح شده است. در واقع، سعی شده تا راه را برای درک پیچیدگی‌های مباحث تربیتی و روان‌شناسی قرآن به‌خصوص، در حوزه قصص آن به عنوان جلوه‌گاه مکانیزم‌های دفاعی، به صورت لایه‌های پنهان قصه هموارتر سازد. این تحقیق در مقام پاسخ به پرسش ذیل است: چه راهکارهایی توسط موسی (ع) برای تربیت و هدایت بنی‌اسرائیل و فرعون به کار گرفته شد؟ با این نگاه روان‌شناختی روشن می‌شود که بخشی از رفتارهای ناسالم ایشان با نوعی دفاع روانی در ارتباط بوده است.

تنها و نخستین تحقیقی که به وجود مکانیزم‌های دفاعی در قرآن کریم پرداخته است، کتاب «راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز (۱)، قرآن، روان‌شناسی و علوم تربیتی» (۱۳۹۰) است. محسن عباس‌نژاد در بخشی از این کتاب، بدون اشاره به نحوه مدیریت رفتارهای ناسازگارانه ناشی از این مکانیزم‌ها، تنها به ۴ مکانیزم دفاعی در قرآن کریم اشاره نموده است. سالاری‌فر در «نگاهی روان‌شناختی به انسان کامل از دیدگاه قرآن» (۱۳۹۰)، به بررسی ویژگی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری در سیره انبیاء و معصومین (ع) به عنوان انسان کامل پرداخته است، که فارغ از تبیین روان‌شناختی مکانیزم‌های دفاعی، می‌تواند در بخشی از مدیریت مکانیزم‌ها، به‌ویژه، در بعد رفتارهای شخصی و خانوادگی به کار آید. رضایی در «ارزیابی نظریه روان‌کاوی فروید از منظر معارف و حیانی به ویژه نهج البلاغه» (۱۳۹۶)، به طرح مباحث مبانی در حوزه روان‌کاوی فروید می‌پردازد. این اثر از حیث مبنایی در بخش چارچوب نظری، همچنین از حیث روش مفید است.

چنانچه معلوم شد، تنها پیشینه‌ای که به‌طور مستقیم، آن هم به بخشی از موضوع پژوهش مرتبط است، کتاب مذکور به قلم محسن عباس‌نژاد است و هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به شکل کامل و نظام‌مند به تحلیل روان‌شناسانه از کنش و واکنش‌های قوم بنی‌اسرائیل، با تأکید بر سازوکار دفاع روانی پرداخته و از همه مهم‌تر به بخش ارائه‌ی روش‌های مدیریت رفتار توجه نشده است.

برای پاسخ به پرسش تحقیق، به تحلیل متون علمی روان‌شناسی در حوزه شخصیت و به‌طور خاص، بحث سازوکار دفاع روانی پرداخته شد. همین‌طور در بخش قصص قرآنی، به‌ویژه، آیات مربوط به موسی (ع)، رفتارهای بنی‌اسرائیل و فرعون در برابر پیامبر الهی مورد بررسی قرار گرفت. بخشی از رفتارهای جامعه با مفهوم مکانیزم‌های دفاع روانی قابل تبیین و تحلیل به نظر می‌رسید. در همین راستا، آیاتی که ناظر به رفتارهای ناسازگار قوم بنی‌اسرائیل و فرعون می‌شود، استخراج، دسته‌بندی و مقوله‌بندی شد. همچنین، طبق ضوابط و مبانی تفسیر، روش‌های

مدیریت رفتار توسط موسی (ع) نسبت به رفتارهای ناسازگارانه مردم، از آیات قرآن کریم اصطیاد و عنوان‌بندی شد. بنابراین، ابتدا رفتارهای مذموم بنی اسرائیل و فرعون که با مفهوم دفاع روانی به دلیل وجود مؤلفه‌های مشترک روانشناختی قابل تبیین است و سپس، شیوه مدیریت این دفاع‌ها بر اساس عملکرد موسی (ع) نسبت به مخاطبین بیان می‌شود. مهمترین ثمره پژوهش، استفاده از راهکارهای پیامبرانه در ارائه الگوی تربیتی برای بسط مبحث «اداره دفاع‌ها» در روان‌شناسی جهت کمک به درمانگران در مواجهه با دفاع‌های بیمارگونه و ناسالم، نیز گسترش فضای تعامل و بهره‌مندی از آموزه‌های قرآنی به صورت کاربردی در این علم است. ضمن اینکه یافته‌های پژوهش بر اساس نگاه قرآنی به زبان روانشناختی در راستای بهزیستی روانی افراد است.

۲- مفهوم دفاع روانی

روان انسان برای دفاع از خودش در برابر عواملی که عزت نفس و ثبات روانی را تهدید می‌کند، سازوکارهای بسیار خلاقانه و مؤثری ابداع می‌کند که در روان‌شناسی از آن به مکانیزم دفاعی (Defense Mechanisms) یاد می‌شود. افراد دید مطلوبی به خودشان دارند و از این دیدگاه خود، در برابر هر عاملی که بخواهد آن را تغییر دهد یا زیر سؤال ببرد دفاع می‌کنند. اکثر روان‌شناسان معاصر معتقدند که افراد از عزت نفس‌شان در برابر تهدیدهایی نظیر ناکامی، شرمندگی و طرد از گروه دفاع می‌کنند (لارسن و باس، ۱۳۹۵، ص ۳۲۰، فیست، ۱۳۹۶، ص ۵۳). اگر دفاع‌ها به صورت محدود و کنترل شده استفاده شود، موجب کاهش استرس، ناامیدی و احساسات منفی در شخص می‌شود، ولی باید توجه داشت که استفاده بیش از حد دفاع به بیماری‌های روان‌شناختی ارتباط پیدا می‌کند (Carmer, 2009, p1). به دلیل آنکه دفاع‌ها ماهیتی پنهان دارند، لذا آشکارکردن آنها و پی‌بردن به تأثیر بالقوه زیان‌آورشان می‌تواند سودمند باشد (Blackman, 2004, viii). مکانیزم‌های دفاعی سه جزء دارند: ۱. رفتار قابل مشاهده (اغلب یک علامت است)، ۲. یک تکانه یا قصدی که برای بیمار قابل قبول نیست، ۳. تعارض هیجانی که برای او ایجاد شده است. تکانه، میل یا نیاز شدید ناگهانی برای انجام دادن کاری بدون تفکر درباره پیامد آن است و نوعا دارای ارزش انگیزشی (Incentive) قوی است (رفیعی هنر، ۱۳۹۵، ص ۱۶۶). دفاع‌ها به هر دو صورت هشیار و ناهشیار عمل می‌کنند یعنی افراد می‌توانند به شکل هدفمند نیز از این دفاع‌ها استفاده کنند (Blackman, 2004, p4). سازوکارهای دفاعی اغلب به طور گروهی فعال می‌شوند. این که فرد از کدام مکانیزم دفاعی استفاده کند، به شخصیت او و موقعیت ناکام‌کننده وابسته است (گنجی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۴).

۳- شیوه‌های مدیریت دفاع‌های روانی

در روان‌شناسی تکنیک‌هایی که به طور مؤثر می‌توان دفاع‌ها را اداره کرد عبارتند از: میان‌بر زدن، اطمینان بخشی، منحرف کردن حواس، روبرو کردن و تفسیر کردن (اوترمر، ۱۳۸۳، صص ۹۶-۹۹). اما در این پژوهش، مراد از راهکار یا مدیریت دفاع‌های روانی، هرگونه سخن یا رفتار قابل استنباط از آیات قرآن کریم در برابر عملکردهای برخاسته از دفاع روانی، ضمن اشاره به سطوح متفاوت اداره دفاع‌هاست. بنابراین، بخشی از این اداره دفاع‌ها با

رفتارهای مقابله‌ای موسی (ع) نسبت به بنی اسرائیل و فرعون اشتراک دارد، اما راهکارهایی که بر اساس آیات قرآن کریم فهم می‌شود، شیوه‌های جدیدی را به موارد پیش‌گفته در روان‌شناسی اضافه می‌کند.

۳-۱- رفتارهای ناظر به دفاع روانی فرعون

برخورداری از ثروت، موقعیت اجتماعی، قدرت سیاسی، کارفرمایان فراوان و تکیه بر نیروی نظامی از عوامل زمینه‌ساز برای ایجاد توهم خودبرتربینی و به تبع آن، بروز رفتارهای مستکبرانه است. چنین شخصی اگر دچار اضطراب شود و برای مثال، موقعیت خود را در خطر ببیند، اقداماتی برای حفظ موقعیت خود و کنترل اضطراب انجام می‌دهد. فرعون یکی از مصادیق همین افراد است که در چنین موقعیتی قرار گرفته به گونه‌ای که طبیعتاً به خاطر هراس از زوال قدرت و دولت خود تحت فشار روحی بود (جادمولی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۷). قرآن کریم نیز در آیات متعددی بخشی از سخنان و رفتارهای فرعون و اطرافیانش را در مقابل موسی (ع) گزارش می‌دهد. اطرافیان فرعون اختیارات داشتند به حدی که در موارد حساس مثلاً، نسبت به قتل یا زنده نگهداشتن افراد در تصمیمات فرعون مؤثر بودند (بقره: ۴۹/۲، اعراف: ۱۴۱/۷، قصص: ۲۰/۲۸، غافر: ۴۰/۲۵-۳۸). با بررسی آیات مشتمل بر رفتارهای فرعون و اطرافیانش در مواجهه با دعوت موسی (ع)، حداقل سه نوع دفاع روانی «بی‌ارزش‌سازی، همه‌کاروانی و فرافکنی» قابل ردیابی است.

۳-۱-۱- بی‌ارزش‌سازی

در بی‌ارزش‌سازی (Devaluation)، فرد تصور می‌کند شخص دیگر پست و حقیر است، درحالی‌که او چنین نیست (Blackman, 2004, p15). بنابراین، به بیان جملاتی می‌پردازد که حاکی از بی‌ارزش کردن دیگران یا هدفی است که نمی‌تواند به آن دست یابد (اوتمر، ۱۳۸۳، ص ۹۸). با نگاهی به قصص قرآن کریم، این رفتار عمدتاً، از سوی شخصیت‌های معاند با انبیاء بروز می‌کند تا از ارزش ایشان بکاهند مثل افتراء دزدی، جنون، سفاقت، بطلان و به‌طور کلی، مواردی که در جهت کم‌ارزش ساختن و ناکارآمد جلوه‌دادن آنها و در نتیجه، دور کردن ایشان از جایگاه واقعی‌شان در نظر مردم است. از سوی دیگر، اینگونه افراد، تعصب خاصی روی مسائل موجود در محیطشان دارند هرچند گمراهی و ضلالت باشد. لذا، با هر دعوت تازه‌ای به عنوان دعوت غیرعقلانه مبارزه می‌کنند، از نوآوری‌ها وحشت دارند و به سنت‌های غلط سخت‌پایبندند (مکارم، ۱۳۷۲، ج ۱۱، ص ۱۴). از دیدگاه روان‌شناسی، افراد متعصب می‌ترسند که با پذیرش تغییر نفوذ اطلاعات و آگاهی‌های جدید، خود و موجودیتشان در معرض خطر قرار گیرد، کنترل اوضاع و شرایط را از دست بدهند و دیگر نتوانند بر اوضاع جدید مسلط گردند. فروریختن و درهم شکسته‌شدن باورهای عمیق، باعث ایجاد اضطراب در فرد متعصب می‌گردد و او را نسبت به خود و سازه‌ها و نظام فکری خود، دچار تردید می‌کند (تبرایی، ۱۳۸۴، ص ۵۴).

بعد از شکست فرعون در برابر موسی (ع)، یک دوران آزادی نسبی ایجاد شد و آن به خاطر ترس و وحشتی بود که معجزات در دل فرعون به وجود آورده بود. بعد از مدتی، افکار توده‌های مردم به موجب مشاهده معجزات

بزرگ، گرفتاری در بلاهای متعدد و رفع آن به برکت دعای موسی (ع) (زخرف: ۴۳/۴۶-۵۰)، نسبت به نظام مذهبی و اجتماعی موجود دچار تردید شد. فرعون برای جلوگیری از نفوذ موسی (ع) سعی بر کوچک‌شمردن او و اثبات برتری خود نمود. بنابراین، به حاکمیت خود بر مصر و مالکیتش بر نیل (زخرف: ۴۳/۵۱) و فقر و ثقل سخن موسی (ع) (زخرف: ۴۳/۵۲) استناد کرد (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲۶، صص ۸۴-۸۶، ج ۶، ص ۳۰۸). در حقیقت، موسی (ع) و سخنانش را کوچک شمرد و او را با فقر تحقیر کرد (قشیری، ۲۰۰۰، ج ۳، ص ۳۷۰). در صحبت‌های فرعون، ترس به خوبی دیده می‌شود (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۶۳). علاوه بر این، فرعون تلاش کرد با سوء استفاده از پیش‌زمینه قبلی مردم نسبت به تکلم موسی (ع)، از آن به عنوان یک نقطه ضعف تعبیر کند، اگرچه فصاحت زبان وی با درخواستی که در ابتدای رسالتش از خداوند نمود (طه، ۲۷)، به ایشان اعطا شد (طه: ۲۰/۳۶) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۷۷، طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۲، ص ۴۲، مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲۶، صص ۸۴-۸۶). همچنین، قرآن برای نشان دادن میزان تحقیر در سخنان فرعون نسبت موسی (ع) واژه «مِهین» را به کار می‌برد. «مِهین» به معنای فقیری است که در تمام امور ناتوان است و کسی را ندارد تا کمکش کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۷۸). استعمال این واژه از چند جهت بود: ۱) بنی اسرائیل از نظر طبقه اجتماعی از مستضعفان بودند؛ ۲) نژاد موسی (ع) از بنی اسرائیل بود و قبطیان خود را سرور آنها می‌پنداشتند؛ ۳) موسی (ع) با ظاهری ساده و با عصای چوبی و لباسی پشمین به نزد فرعون آمد. از این رو، فرعون نسبت به ظاهر موسی (ع) گفت: «چرا دستبندهایی از طلا به او داده نشده؟! یا اینکه چرا فرشتگان همراه او نیامده‌اند تا گفتار او را تصدیق کنند؟» (زخرف: ۴۳/۵۳)؛ ۴) جمعیتی به همراه او نبود (مکارم، ۱۳۷۱/طیب، ۱۳۶۹/فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲۰، ص ۲۵۱). ضمن اینکه، طبق بیان لطیف قرآن کریم در استفاده از تعبیر «استخفاف قوم» (زخرف: ۴۳/۵۴) برای عملکرد فرعون، معلوم می‌شود فرعون از واقعیت امر چندان غافل نبود و به بی‌اعتباری این ارزش‌ها کم و بیش توجه داشت، ولی قوم خود را تحمیق کرد و عقول آنها را سبک شمرد و آنها نیز از وی اطاعت کردند (مکارم، ۱۳۷۲، ج ۲۱، ص ۸۸).

فرعون در ادامه، به منظور تحقیر و سرزنش موسی (ع)، سابقه او را متذکر شد و بر او منت نهاد و گفت: تو همانی هستی که در بارگاه من بزرگ شدی و حالا می‌خواهی مرا هدایت کنی؟ (شعراء: ۱۸/۲۶). این استفهام انکاری برای خوارکردن موسی (ع) بر احسان‌های گذشته نسبت به او بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، صص ۲۶۰-۱۶۱). به‌طور کلی می‌توان گفت: سخنان فرعون که رنگ بهانه‌جویی نیز در آن مشهود است، برای تحقیر و بی‌ارزش کردن دعوت موسی (ع) بود و در این مسیر از هر نوع تحقیری که می‌توانست مانند فقر، نسب، ظاهر، زبان، گذشته و سابقه بهره جست.

۳-۱-۲- همه‌کار توانی

از جمله علائم و رفتارهای قابل مشاهده در همه‌کار توانی (Omnipotence) از خود تعریف کردن، حق به جانب بودن و مغرور بودن است. تعارضات هیجانی مثل احساس حقارت، شکست و عزت نفس پایین، موجب

می‌شود شخص در یک فرآیند معکوس، احساس حقارت خود را به احساس و اعمال بزرگ‌منشانه تبدیل کند (اوتمر، ۱۳۸۳، ص ۹۹).

این، ظاهر رفتار افرادی است که در منابع اسلامی با صفت کبر شناخته می‌شوند، چه اینکه گفته شده متکبر به چشم حقارت به بندگان دیگر نگاه می‌کند و حق را از ایشان قبول نمی‌کند و خود را بهتر و بزرگ‌تر می‌داند، همچنین، صفات کمالی را به خود منسوب می‌کند (غزالی، ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۲۵۵-۲۵۷). دلیل آن نیز طبق روایت امام صادق (ع) احساس حقارتی است که در شخص وجود دارد^۱ (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۳، ص ۷۶۱). این احساس حقارت درونی، باعث می‌شود نمایشی غیرحقیقی از خود ارائه کند تا خواری نفس را جبران کند. قرآن کریم از شخصیت‌هایی نظیر فرعون، قوم او و قارون حکایت می‌کند که رفتارهای بزرگ‌مآبانه داشتند (قصص: ۷۹/۲۸، یونس: ۸۳/۱۰؛ مؤمنون: ۴۶/۲۳). فرعون در آن روزگار در زمین علو و دیکتاتوری داشت و بر اهل زمین مسلط بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۱۱۲). وی علاوه بر اینکه ادعای الوهیت داشت (قصص: ۲۸/۳۸)، ادعای ربوبیت نیز می‌کرد (نازعات: ۲۴/۷۹ و نک. مکارم، ۱۳۷۲، ج ۲۶، ص ۹۳).

۳-۱-۳- فرافکنی

روحیه طاغوت این است که پیامبران را متهم به برتری جویی و سلطه‌طلبی می‌کردند، درحالی‌که خودشان بدترین سلطه‌جو بودند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۲۵۰). چه اینکه قبطی‌ها همیشه با دیده حقارت به بنی‌اسرائیل نگاه می‌کردند و آنها را دلیل و زیر دست و تحت فشار خود قرار می‌دادند (طیب، ۱۳۶۹، ج ۹، ص ۴۰۶). در قرآن کریم نیز، فرافکنی از نوع اتهام امنیتی یا افساد فی الارض از سوی فرعونیان نسبت به موسی و هارون (ع) مطرح شده است (اعراف: ۱۱۰/۷ و ۱۲۷؛ طه: ۵۷/۲۰؛ غافر: ۲۶/۴۰)؛ درحالی‌که قرآن کریم خود فرعون را به خاطر تحقیر و تحمیق مردم، ظلم و ستم، کشتن پسران و ادعای خدایی از مفسدان تاریخ بشر معرفی می‌کند (اعراف: ۱۰۳/۷؛ یونس: ۹۱/۱۰). بنابراین، می‌توان گفت این اتهام نیز از نوع فرافکنی است؛ زیرا فرد سعی می‌کند عمل زشت خود را به دیگران نسبت دهد. مانند اتهام برتری جویی و علو در زمین به موسی (ع) (یونس: ۷۸/۱۰)، چیزی که دقیقاً فرعون عامل به آن بود. فرعون تلاش می‌کرد با فرافکنی، افکار عمومی را از خود دور و به موسی و هارون (ع) متوجه نماید. براین اساس، رفتار فرعون در جایگاه پادشاهی که در میدان رقابت ساحران و موسی (ع) در برابر چشمان همه شکست خورده، نشان دهنده تمام تلاش او برای احیای آبرویش است. یکی از شگردهایش نیز این بود که درخواست اولیه موسی (ع) مبنی بر اجازه خروج بنی‌اسرائیل از مصر را کاملاً، واژگون مطرح ساخت و خطاب به موسی (ع) گفت: قصد واقعی تو این است که ما اهل مصر را از کشور خودمان اخراج کنی (طه: ۲۰/۵۷). در کل، فرعون با استفاده از تهمت سیاسی، جنجال و فرافکنی سعی می‌کرد احساسات وطن‌دوستی مردم خود را تحریک نماید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۱۷۲/مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۲۲۸)؛ مانند اینکه فرعون و

۱. «ما مِنْ أَهْلِ يَتِيهِ إِلَّا مِنْ ذَلَّةٍ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ».

اطرافیان او به موسی (ع) و برادرش هارون (ع) گفتند: شما آمده‌اید تا دولت فرعون و حکومت ریشه‌دار قبطیان را به دولتی اسرائیلی تبدیل کنید (یونس: ۷۸/۱۰) (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۰۹).

دفاع روانی	مؤلفه‌ها	آیات	بروز خارجی دفاع روانی
بی‌ارزش‌سازی	فال بد زدن	﴿فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ﴾ (اعراف: ۱۳۱/۷)	انتساب پیش‌آمدهای ناگوار به موسی (ع) و همراهان
	فقر ظاهری	﴿أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ﴾ (زخرف: ۴۳/۵۲) ﴿قُلُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عَلَيْهِ أَسْرُورَةٌ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ﴾ (زخرف: ۴۳/۵۳)	تحقیر به خاطر عدم شکوه و جلال (لباس پشمین و عصا، بدون دستبند طلا، همراهی فرشتگان)
	سابقه	﴿قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ﴾ (شعراء: ۱۸/۲۶).	تذکر احسان‌های گذشته و ایجاد حس دین
	زبان و نژاد	﴿أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يَبِينُ﴾ (زخرف: ۴۳/۵۲) ﴿إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ﴾ (شعراء: ۵۴/۲۶)	تحقیر طبقه اجتماعی، نژاد بنی اسرائیلی و ثقل سخن موسی (ع) و پراکندگی قوم
همه‌کاروانی	علو در زمین	﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَ فَلَآ تُبْصِرُونَ﴾ (زخرف: ۴۳/۵۱) ﴿وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ لِمَنْ الْمُسْرِفِينَ﴾ (یونس: ۸۳/۱۰) ﴿فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ (زخرف: ۴۳/۵۴)	تسلط بر اهل زمین، استخفاف قوم خود شکندجه و برده گرفتن بنی اسرائیل زنده نگهداشتن زنان و کشتن پسران بنی اسرائیل
	ادعای الوهیت	﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي﴾ (قصص: ۳۸/۲۸)	
	ادعای ربوبیت	﴿فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى﴾ (نازعات: ۲۴/۷۹)	
	فرافکنی		﴿وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَنْتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ يُدْرِكَنَّ الْوَالِهَاتُ﴾ (اعراف: ۷/۱۲۷)
		﴿لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَأْجِلُكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَأَصْلَبِيَّتِكُمْ أَجْمَعِينَ﴾ (شعراء: ۴۹/۲۶)	ارعاب حامیان

تحریک احساسات قومی، مذهبی و وطن دوستی قبطیان	﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ﴾ (غافر: ۲۴/۴۰)	اتهام امنیتی
	﴿قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتْنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا﴾ (یونس: ۷۸/۱۰)	
وارونه جلوه دادن درخواست موسی (ع) در مورد اجازه خروج بنی اسرائیل، با اخراج قبطیان	﴿يُرِيدُ أَنْ يَخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ﴾ (اعراف: ۱۱۰/۷)	
	﴿إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرُومٌ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا﴾ (اعراف: ۱۲۳/۷)	
	﴿قَالَ أَجِئْنَا لِنُخْرِجَنَّا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكُ يَا مُوسَى﴾ (طه: ۵۷/۲۰)	
اتهام برتری جویی به موسی (ع)	﴿قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتْنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ﴾ (یونس: ۷۸/۱۰)	اتهام علو

جدول ۱. دفاع‌های روانی فرعون بر اساس «تحلیل روان‌شناختی» از رفتارهای وی در رابطه با موسی (ع) و بنی اسرائیل

۳-۲- رفتارهای ناظر به دفاع روانی بنی اسرائیل

در آیات متعددی آموزه‌های مربوط به قوم بنی اسرائیل و موسی (ع) بیان شده است. چالش‌های اخلاقی، رفتاری و عقیدتی فراوانی از این قوم در قرآن کریم نقل شده است و موسی (ع) به عنوان رهبر این جامعه پر مسأله، در برابر رفتار ایشان واکنش‌هایی در شأن رهبری داشته است. دقت بر نوع عملکرد، تفکیک مخاطب و شدت برخورد ایشان، الگویی به دست می‌دهد که در قالب مفاهیم روان‌شناسی قابل ارائه است.

بنی اسرائیل قومی حس‌گرا و مادی بودند و به خاطر زندگی در محیط بت‌پرستی مصر، این روحیه در روان آنها به شدت تثبیت شده بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸، ص ۲۳۴/ مکارم، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۳۵). بر اساس آیه ۱۳۸ اعراف، بنی اسرائیل اولین تمایل به شرک و بت‌پرستی را بلافاصله بعد اینکه از فرعونیان نجات پیدا کردند نشان دادند. گفته شده اصل گوساله‌پرستی در ایشان زمانی تحریک شد که گروهی بت‌پرست را در حال پرستش تماثل گاو دیدند (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۷۲۲). طبق بیان قرآن کریم، ریشه این تمایلات حتی با وجود مشاهده معجزات عظیم الهی، جهل بود (اعراف: ۱۳۸/۷)، جهل به معنای حتم و بی‌عقلی است (طیب، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۴۴۴). میزان این روحیه در ایشان به قدری بود که با موعظه‌های موسی (ع) و دیدن معجزات الهی تصحیح نشد و در اولین فرصت به شکل گوساله‌پرستی ظاهر شد. سپس، با روان‌های به شدت آماده دفاع، با «فرافکنی» به تطهیر چهره خود پرداخته و با «دلیل تراشی» خود را موجه جلوه دادند (طه: ۸۷/۲۰)، زیرا بنی اسرائیل سالیان طولانی تحت استعمار فرعون به سر برده بودند و رسوبات این دوران به صورت عقده‌های حقارت، خودکم‌بینی، احساس ذلت و کمبود در روح آنها لانه کرده بود (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۴۵). چنین افرادی با این سابقه ذهنی و روحی، به هنگام مواجهه با موقعیت اضطراب‌زا، دفاع‌هایی را بروز می‌دهند که در سطح سازگاری پایین‌تری قرار

دارد، چه اینکه افرادی که از ذهن و روان سالم‌تری برخوردارند مکانیزم‌های دفاعی پخته‌تری را استفاده می‌کنند (احدی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۲). بر اساس آیات بررسی شده در مورد بنی اسرائیل، مشخص می‌شود بارزترین رفتارهای این قوم در برابر دعوت حضرت موسی (ع)، «دلیل‌تراشی و فرافکنی» است که از منظر روان‌شناختی جزو سازوکارهای دفاع روانی سطوح پایین از نظر سازگاری محسوب می‌شود. در قرآن کریم، رفتار مناسب در مواجهه با این جامعه، به شکلی ارائه شده تا با افزایش دانش و اراده در بین افراد جامعه، بتوانند حقارت درونی خود را رفع و عزت نفس خود را بیابند.

۳-۲-۱- دلیل‌تراشی

دلیل‌تراشی (Rationalization) به معنای نسبت دادن انگیزه‌های منطقی یا مطلوب جامعه به رفتارمان است تا به نظر رسد که عاقلانه رفتار می‌کنیم (نولن - هوکسما و دیگران، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۲۱). این مکانیزم به شکل ارائه توضیحات غیرواقعی و دلایل غیرحقیقی برای توجیه رفتار، قابل مشاهده است. عامل استرس‌زا، تکانه‌های غیرقابل قبول اجتماع و عزت نفس پایین است که طی فرآیندی با ارائه دلایل نادرست، ولی اجتماع‌پسندانه برای توجیه رفتار انجام می‌شود (اوتمر، ۱۳۸۳، ص ۹۵ / ۹۵، Blackman, 2004, p14). دلیل‌تراشی همراه با تفسیر دوباره‌ای از رفتار خود است (شولتز، ۱۳۹۴، ص ۶۶) و در حقیقت نوعی فکرکردن ناقص و تدافعی است که به وسیله‌ی آرزو برای حفظ احترام به خود، انگیزه می‌شود. این دفاع روانی، دست‌کم به‌طور موقتی از طریق احترام به خود، شخص را قادر می‌سازد تا از روبرو شدن با واقعیت‌ها پرهیز کند و شکست‌های خود را ببخشد (عباس نژاد، ۱۳۹۰، ص ۹۸). ما فکر یا عمل تهدیدکننده‌ای را با قانع کردن خودمان به اینکه توجیه منطقی برای آن وجود دارد، موجه جلوه می‌دهیم (شولتز، ۱۳۹۴، ص ۹۲).

بهانه‌جویی، یکی از موانع تأثیرگذار جهت تصحیح افکار و رفتار فرد و جامعه است. جامعه‌ای که بهانه‌جویی از واکنش‌های اولیه آن‌ها باشد، به ندرت می‌توان امیدوار بود که از رفتارهای نادرست خود دست بشوید؛ چراکه همیشه علتی برای رفتارهای سوء خود می‌تراشد. گاهی خوی بهانه‌جویی و تکذیب افراد به قدری قوی می‌شود که محسوسات و مشهودات را نیز انکار می‌کند، به طوری که «حتی اگر قطعه‌ای از آسمان که نشانه عذاب است ببینند، می‌گویند چیزی نیست، ابری متراکم است» (طور: ۴۴ / ۵۲). افراط در توجیه‌گری، بهانه‌جویی و دلیل‌تراشی در ضمن رفتارهای قوم بنی اسرائیل در قرآن کریم بیان شده است. خداوند در آیات متعددی از قرآن کریم بهانه‌جویی‌های بنی اسرائیل را گزارش می‌کند مانند بهانه‌تراشی برای فرار از جهاد (مانده: ۲۴ / ۵)، درخواست تنوع خوراکی‌ها (بقره: ۶۱ / ۲)، درخواست رؤیت خداوند از موسی (ع) (بقره: ۵۵ / ۲، نساء: ۱۵۳ / ۱)، درخواست ساختن بت (اعراف: ۱۳۸ / ۷)، مشروط‌کردن ایمان به فرود آمدن قربانی از آسمان و صاعقه بر آن (آل عمران: ۱۸۳ / ۳) و بهانه‌تراشی در بیان اوصاف گاو (بقره: ۷۱-۶۷ / ۲) چه اینکه گفته شده این بهانه‌ها از سوی قاتل مطرح می‌شد (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۵۴۴).

بهبان جویی منجر به مسئولیت‌گریزی نیز خواهد شد. بنی اسرائیل نیز بهانه‌جویی را سازوکاری برای فرار از مسئولیت قرار می‌دادند، چه اینکه پیمان‌شکنی کردند (مانده: ۱۲/۵-۱۳)، برای فتح سرزمین مقدس از شرکت در جهاد امتناع کردند (مانده: ۲۴/۵) و حرمت روز شنبه را رعایت نکردند (بقره: ۶۵/۲). این مسئولیت‌گریزی محدود به زمان موسی (ع) نبود، بلکه در زمان طالوت نیز وجود داشت و علی‌رغم دستور فرمانده، بیش از حد آب نوشیدند (بقره: ۲۴۹/۲).

۳-۲-۲- فرافکنی (سویفکنی)

کسی که کار خلاف و گناهی انجام داده، نزد وجدان خویش ناراحت و نگران است. لذا در بسیاری از موارد، ناخودآگاهانه سعی می‌کند خود را از آن نگرانی برهاند. یکی از راه‌هایی که برای رهایی در نظر می‌گیرد این است که آن گناه و خلاف را به دیگران نسبت می‌دهد. این واکنش را در اصطلاح روان‌شناسی «فرافکنی» (Projection) می‌نامند. یعنی افکار و اعمال خود را از خود بیرون می‌افکنند، دور می‌کند و متوجه دیگران می‌سازد. این یک نوع مکانیزم جبران و دفاع غیرمنطقی است که برای جلوگیری از اضطراب و ناکامی صورت می‌گیرد (عباس‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۳۷۸). به عبارت دیگر، شخص ویژگی‌های غیرقابل قبول خود را به دیگران نسبت می‌دهد. سازوکار دفاعی فرافکنی، ما را از قبول خصوصیات ناخوشایندمان با انتساب اغراق‌آمیز آن‌ها به دیگران حفظ می‌کند. فرافکنی در واقع شکلی از دلیل‌تراشی است؛ اما چنان نافذ است که بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد (نولن-هوکسا و دیگران، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۲۱). افراد ناکامی‌های خویش، مثل تصمیمات اشتباه را به رویدادهای محیطی‌ای که خارج از کنترل آن‌هاست نسبت داده و موفقیت‌هایشان را به خود نسبت می‌دهند، این پدیده امری شایع است و روان‌شناسان از آن تحت عنوان «خطای بنیادی اسناد» یاد می‌کنند (لارسن و باس، ۱۳۹۵، ص ۳۲۰).

بعد از اینکه بنی اسرائیل در ماجرای سامری متوجه اشتباه خود شدند، شروع به «توجیه» اشتباه خود و هم‌زمان «فرافکنی» کردند: ﴿قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حُمِلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَدْنَا فَكَذَّبَكَ الْقَى السَّامِرِي﴾ (طه: ۸۷/۲۰): گفتند: «ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلف نکردیم؛ بلکه مقداری از زیورهای قوم را که با خود داشتیم افکندیم!» و سامری اینچنین القا کرد. بخش اول آیه مربوط به توجیه و بخش دوم مربوط به فرافکنی است. معمولاً افراد زیردست به هنگام توبیخ از سوی بالادست، گناه را از خود دور می‌کنند و به گردن دیگری می‌افکنند. گوساله‌پرستان بنی اسرائیل نیز که با اراده خود از توحید به شرک گرائیده بودند می‌خواستند تمام گناه را بر گردن سامری بیفکنند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۲۷۱)، تا از این طریق از خود سلب مسئولیت نمایند (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۲۰۹). در این قضیه، همانگونه که لارسن نیز فرافکنی را تعریف می‌کند، فرد دیگران را شماتت می‌کند به خاطر آنکه افراد واجد ویژگی‌هایی هستند که خودش شدیداً از داشتن آنها بدش می‌آید (لارسن و باس، ۱۳۹۵، ص ۳۲۵). در اینجا نیز بنی اسرائیل از عمل خود به «خلف وعده» یاد کردند و آن را از خود دور و به «القای سامری» نسبت دادند. این نشان می‌دهد که خلف وعده به عنوان تعارض هیجانی غیرقابل قبول، از رفتارهایی است که خود بنی اسرائیل نیز حداقل در ظاهر از آن ابا دارند. علاوه بر آن، «ساده انگاشتن»

این خلف وعده نیز از مصادیق توجیه ایشان است. گویی عمل ایشان اشکالی نداشته و تنها کاری که انجام دادند، دادن طلاهای خود به سامری بوده است!

دفاع روانی	مؤلفه‌ها	آیات	بروز خارجی دفاع روانی
دلیل تراشی	عقیده	﴿وَ جَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ (اعراف: ۱۳۸/۷)	درخواست ساختن بت
		﴿وَ إِذْ قُلْنَا يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَرَى اللَّهَ جَهْرَةً﴾ (بقره: ۵۵/۲) ﴿فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرَنَا اللَّهَ جَهْرَةً﴾ (نساء: ۱۵۳/۴)	درخواست رؤیت خدا
	سبک زندگی	﴿الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِينَا بَقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ﴾ (آل عمران: ۱۸۳/۳)	ایمان مشروط
		﴿وَ إِذْ قُلْنَا يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَ بَصَلِهَا﴾ (بقره: ۶۱/۲)	تنوع طلبی
	رزم	﴿قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَ رَبُّكَ فَقَتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾ (مائده: ۲۴/۵)	فرار از جهاد
	مسائل اجتماعی	﴿وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ: أَنْ تَذْبُحُوا بَقَرَةً...﴾ (بقره: ۶۷-۷۱/۲)	پرسش افراطی در مورد صفات گاو برای یافتن قاتل
	اخلاق	﴿قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا﴾ (طه: ۸۷/۲۰)	خلف وعده و ساده انگاشتن آن
	رد گناه خود به دیگران	﴿قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ﴾ (طه: ۸۷/۲۰)	گوساله پرستی خود را به گردن سامری انداختند

جدول ۲. دفاع‌های روانی بنی اسرائیل بر اساس «تحلیل روان شناختی» از رفتارهای آنها مرتبط با موسی (ع)

۳-۳- شیوه‌های مدیریت رفتار مشترک بین فرعون و بنی اسرائیل

بر اساس نتایج تحقیق، راهکارهای برخورد مربیانه با رفتارهای ناسازگارانه ناشی از دفاع‌های روانی عبارتند از: اطمینان‌بخشی، مدارا برای حساسیت‌زدایی، آگاه‌سازی، داستان‌سازی، شرکت‌دادن افراد، محرومیت از امتیازات و تغییر محیط. برخی بین فرعون و بنی اسرائیل مشترک است، چه اینکه دفاع روانی فرافکنی نیز بین آنها مشترک

است. از سوی دیگر، برخی از مدیریت رفتارها توسط موسی (ع) اختصاص به قوم بنی اسرائیل دارد که به تفکیک بیان می‌شود.

۳-۳-۱- اطمینان بخشی

در این تکنیک با ایجاد حمایت، از اضطراب‌ها و بدگمانی‌های شخص کاسته می‌شود و اعتماد به نفس وی افزایش می‌یابد. این گرایش همدلانه باعث می‌شود این احساس در فرد به وجود بیاید که در مانگر همراه اوست. این کار در مورد کسانی که تحت فشار مشکلات قرار گرفته‌اند بسیار مؤثر است (اوتر، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰). در مقایسه با فرعون، حجم گسترده‌تری از کاربرد «اطمینان بخشی» در مورد بنی اسرائیل وجود دارد، اما به هر روی این مدیریت را در مورد فرعون نیز می‌توان یافت. جایی که موسی (ع) رسالت خود را بیان می‌کند تا این اطمینان را بدهد که قصد سوئی ندارد و هدف ابلاغ رسالت است و برای فرمانروایی یا فساد در سرزمین مصر نیامده است، یا قصد شورش یا تصاحب مملکت را ندارد: ﴿فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ... وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى﴾ (طه: ۴۷/۲۰) در عین حال، قاطعیت نیز در سخنان موسی (ع) هویدا است آنجا که خطاب به فرعونیان و ساحران گفت: ﴿وَيَلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَيَّ اللَّهُ كَذِبًا فَيَسْحَتِكُمْ بِعَذَابٍ وَ قَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى﴾ (طه: ۶۱/۲۰).

در آیات متعددی نمونه‌های زیادی از اطمینان‌بخشی نسبت به بنی اسرائیل بیان شده است که ناظر به بشارت‌ها، نعمت‌ها و معجزات الهی است. در زمان فرعون، بنی اسرائیل از خود خانه‌ای نداشتند و مانند صحرائشیمان در مکان‌هایی نظیر خیمه زندگی می‌کردند (طباطبایی، ج ۱۰، ص ۱۱۴). بعد از ظهور موسی (ع)، وی به دستور خداوند از طریق ساختن خانه‌هایی نزدیک یکدیگر و برپا داشتن نماز مأمور به «بازسازی اجتماع بنی اسرائیل» شد: ﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس: ۸۷/۱۰). هدف از این کار از بین بردن آثار ترس و وحشت از دل مردم رنج دیده، ایجاد روحیه انقلابی و کسب قدرت روحی بود، چه اینکه دسترسی و تبلیغ را آسان‌تر می‌کرد، از برملا شدن نقشه‌های سری جامعه مؤمنین در میان قبطیان جلوگیری می‌نمود و در نهایت، کمک مؤثری به تمرکز و اجتماع بنی اسرائیل می‌کرد (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۸، صص ۳۷۰-۳۷۱). این امر موجب شد انسجام بنی اسرائیل به قدری زیاد شود که با یک اشاره و فرمان موسی همگی شبانه هجرت کردند (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۳۲۱). علاوه بر این در ذیل همین آیه، خداوند به موسی (ع) خطاب می‌کند که مؤمنین را بشارت بده به اینکه خداوند به زودی ایشان را از شر فرعون نجات خواهد داد (طباطبایی، ج ۱۰، ص ۱۱۵). دریا برای بنی اسرائیل بعد از تحمل سختی‌ها و رنج‌های فراوان شکافته شد (بقره: ۵۰/۲) و عاقبت با معجزه از آن عبور کردند و از دشمن نجات یافتند (طه: ۸۰/۲۰)، در این میان خداوند به ایشان وعده بخشش نیز داد (طه: ۸۲/۲۰). علاوه بر این، انواع خوردنی‌های پاک مانند مَنّ و سلوی (طه: ۸۰/۲۰)، سایه انداختن ابر در بیابان (بقره: ۵۷/۲)، جوشیدن چشمه از سنگ (بقره: ۶۰/۲)، همچنین اذن دخول به سرزمین مقدس برای سکونت (مانده: ۲۱/۵) و در نهایت، برطرف کردن اندوه ایشان (صافات: ۱۱۵/۳۷) از مصادیق عملی اطمینان‌بخشی است.

۳-۳-۲- مدارا برای حساسیت زدایی

یکی از عوامل تأثیرگذاری کلام در مخاطب، عدم موضع‌گیری اولیه است. به عبارت دیگر، اگر شخص به گونه‌ای سخن گوید که از همان ابتدا مخاطب را به موضع‌گیری تحریک کند، کلام او اثربخش نخواهد بود. لذا پیامبران با قوم خود به گونه‌ای صحبت می‌کردند که در ابتدای امر، هیچ‌گونه احساس منفی از کلام ایشان برانگیخته نشود. برای مثال، به هنگام توجیحات واهی تقلید از اجداد، به جای اینکه از همان ابتدا غیرعقلانی بودن کارشان را بیان کند، با تعبیر مؤدبانه که دل‌های ایشان را نرم نماید با آنها صحبت می‌کردند.^۱ جدال نیکو اقتضا می‌کند که برای دعوت به حق با مخالفان مماشات کرد (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۸، ص ۴۴۷) و این نوع سخن‌گفتن از باب مدارا با خصم است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۹۳). با تعبیر مؤدبانه می‌توان سخن حق را در مقابل قومی لجوج و مغرور به نحوی بیان کرد که عواطف آنها به هیچ‌وجه جریحه‌دار نشود (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲۱، صص ۳۹-۴۰).

در هنگام بعثت موسی (ع)، خدا به او و برادرش وحی کرد که به سوی فرعون بروید و با بیانی نرم و لحنی ملایم با او سخن گوید (طه: ۴۳-۴۴). برای این کار چند علت وجود داشت: (۱) پذیرش حق برای فرعون آسان‌تر شود؛ (۲) خدشه‌ای به عزت او وارد نشود؛ (۳) شاید دل سنگین او نرم شده و غرور و خودخواهی او کم شود؛ (۴) رگ تکبر و جاهلیتش تحریک نگردد تا موجبات اذیت موسی و هارون (ع) را فراهم نسازد؛ (۵) راه عذر بر او بسته شده و حجت بر او تمام شود؛ (۶) فرعون بر موسی حق تربیت داشت و این سابقه ایجاب می‌کرد که با زبان شیرین و برهانی روان و ملایم با او سخن بگوید (جادالمولی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۴)؛ (۷) تا آمادگی شنیدن مطالب و اندیشیدن در او فراهم شود (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۵۷۰). بنابراین، خداوند ایشان را به ملایمت و حسن رفتار با فرعون سفارش کرد. همین خویشنداری از تندی، واجب‌ترین آداب دعوت است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۱۵۵). همچنین، گرایش غالب در گفتار موسی (ع) ادب‌ورزی آشکار او برای کسب مقبولیت است برخلاف فرعون و فرعونیان که با اختلاف معناداری از راهبردهای بی‌ادبی به میزان بالایی استفاده می‌کردند (دهقان نیری و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۲۱).

بر این اساس، توجه به احساسات قومی و فرهنگی ریشه‌دار از عوامل کنترل‌کننده نسبت به راهبردهای روانی در یک جامعه محسوب می‌شود، چه اینکه در کاربرد این شیوه، شرایط جامعه یا فرد باید لحاظ شود. به عبارت دیگر، سخن‌گفتن نرم و توأم با ادب برای فرعون (طه: ۴۴/۲۰)، برای این بود که عزت او جریحه‌دار نشود؛ درحالی‌که نرمش در سخن با قوم لجوج بنی اسرائیل برای این بود که رگ تعصب و لجاجت ایشان تحریک نشود، از این‌رو، حتی در نهی از منکر نیز از اهرم عاطفه استفاده نمود (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۶۰۷).

۱. ﴿قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ﴾ (زخرف: ۲۴/۴۳)

۳-۳-۳- آگاه‌سازی

با بررسی آیات شامل توجیه‌گری توسط گناهکاران، روش برخورد با این افراد نیز قابل استنباط است که یکی از آنها آگاه‌سازی یا افشاسازی است. بر این اساس، فرد باید نسبت به نوع عملکرد خود آگاه شود و به عبارتی، باید او را با دروغی که خود ساخته است، روبرو نمود. افراد برای ترسیم تصویری عوام‌پسند از گناه خود، آن را با معجز توهمی «تقلید از نیاکان» توجیه می‌کنند و یا از خود سلب اختیار نموده و معاصی خود را به «تقدیر الهی» منتسب می‌نمایند (اعراف: ۲۸/۷؛ انعام: ۱۵۷/۶؛ نحل: ۳۵/۱۶). بسیاری از مجرمان برای تبرئه خویش از گناه و فساد، موضوع جبر را مطرح نموده و می‌گویند دست تقدیر ما را به این راه کشانده؛ درحالی‌که خود نیز می‌دانند اینها بهانه‌ای بیش نیست، زیرا اگر کسی حقی از آنها را پایمال کند، هرگز حاضر نیستند با این توجیه که او در کار خود مجبور بوده از مجازات او چشم‌پوشند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۲۱، صص ۳۴-۳۵). از همین روست که قرآن کریم ضمن رد سخنان باطل توجیه‌گران، رفتار ایشان را از روی جهل معرفی می‌کند، مانند انتساب فعل حرام به خواست مستقیم خدا یا تقلید محض از پدران، که رفتاری جاهلانه و توجیهی بیش نیست (اعراف: ۲۸/۷).

بر این اساس، کسانی که دچار دلیل تراشی هستند، نباید به حال خود رها شوند؛ بلکه باید ایشان را به سوء رفتار خود توجه داد. همچنین، لازم است برای اطمینان از تصحیح رفتار، عواقب سوء آن نیز هشدار داده شود. از آنجا که قرآن در برابر دلیل تراشی‌های بی‌مورد سکوت نمی‌کند، علاوه بر رد این رفتار و افشای توجیه و دروغ‌گویی ایشان (اعراف: ۲۸/۷)، عواقب ابتلاء به این رفتار را متذکر می‌شود. برای مثال، قساوت قلب بنی‌اسرائیل، پیامد بهانه‌جویی‌ها و نافرمانی‌های آنان بود (بقره: ۷۴/۲). همچنین، در ذیل همین آیه شریفه، به‌گونه‌ای تهدیدآمیز به مخاطب گوشزد می‌کند که تمام اعمالی که انجام می‌دهید، بدون هیچ سهو یا فراموشی نزد پروردگار ثبت است (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۲). علاوه بر این، با گوشزد کردن هلاکت اقوام پیشین، انتقام الهی را نیز متذکر می‌شود (زخرف: ۲۵/۴۳). چه اینکه طبق روایت امام صادق (ع) خوف ناشی از معرفت از عوامل اطاعت پروردگار و تأدیب شخص است^۱ (عده‌ای از علماء، ۱۴۲۳، ص ۱۹۸، ح ۱۷۱). گروهی برای اعمال زشت خود، مجوز تقلید از پدران را توجیه می‌آوردند و حتی خود را هدایت‌ده می‌پنداشتند یا با استناد به امر الهی و جبرگرایی، دلیل تراشی می‌کردند. قرآن کریم علاوه بر رد انگاره ایشان، تقلید از آیین پیشینیان را تقلید جاهل از جاهل معرفی می‌کند (بقره: ۱۷۰/۲). همچنین، فرعون در سطوح مختلف بیانی، واژگانی و دستوری سعی در مشروعیت‌زدایی دعوت موسی (ع) و مخدوش‌سازی شخصیت آن در میان حضار داشت، این درحالی است که گفتمان موسی (ع) بر مبنای رب العالمین است (پاشازانوس و رحیمی، ۱۳۹۸، ۳۴)، از جمله (اعراف: ۱۰۴/۷، طه: ۴۷/۲۰ و ۵۰، شعراء: ۲۴/۲۶)^۲ که در راستای تذکر و آگاه‌سازی فرعون نسبت به اوصاف الهی است.

۱. «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ خَافَهُ وَ مَنْ خَافَ اللَّهَ حَتَّى الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ عَلَى الْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ وَ الْأَخْذِ بِتَأْدِيهِ».

۲. ﴿وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (اعراف: ۱۰۴/۷)، ﴿إِنَّا رَسُولُ رَبِّكَ﴾ (طه: ۴۷/۲۰)، ﴿قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ﴾ (طه: ۵۰/۲۰)، ﴿قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا﴾ (شعراء: ۲۴/۲۶).

بنابراین، قرآن کریم به شیوه ذیل عمل کرده است: (۱) در برابر دلیل تراشی موضع می‌گیرد؛ (۲) قائلان آن را به این شکل رسوا می‌کند که مترفین بخاطر حفظ منافع خود سعی بر تحمیل، دلیل تراشی و تحمیل جامعه دارند؛ (۳) دلیل توهمی را تکذیب و سرکوب می‌نماید؛ (۴) موضع خود را اعلام نموده و (۵) تضمینی برای ترک عمل ایجاد می‌کند و آن ایجاد خوفی است که خود ناشی از معرفت به اوصاف الهی است یعنی علم پروردگار.

دفاع روانی	مدیریت دفاع‌ها	آیات	شیوه اعمال مدیریت
بی‌ارزش‌سازی	اطمینان بخشی	﴿إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ ... قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ اتِّبَعِ الْهُدَى﴾ (طه: ۴۷/۲۰)	معرفی خود به عنوان رسول الهی، نه یک شورشی با ارائه برهان
	آگاه‌سازی	﴿قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا﴾ (شعراء: ۲۴/۲۶)	گفتمان در راستای تذکر اوصاف الهی و شناخت رب العالمین
		﴿قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ (طه: ۵۰/۲۰)	
﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى﴾ (طه: ۵۳/۲۰)			
	مدارا برای حساسیت‌زدایی	﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ (طه: ۴۴/۲۰)	قول نرم توأم با ادب و رزق، عدم جریحه دار کردن عزت مخاطب رعایت آداب دعوت
همه‌کارتوانی	آگاه‌سازی	﴿وَقَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (اعراف: ۱۰۴/۷)	اشاره به رب العالمین حقیقی
	کاهش دامنه	﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِلَيْكُمْ مُتَّبِعُونَ﴾ (شعراء: ۵۲/۲۶)	رهایی مردم زیردست و مستضعف
	اعمال قدرت	﴿قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُخَشِّرَ النَّاسَ ضُحًى﴾ (طه: ۵۹/۲۰)	قبول هم‌اوردطلبی
فرافکنی	آگاه‌سازی	﴿إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَنْ أُرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ (شعراء: ۱۶-۱۷/۲۶)	اعلام موضع و جایگاه خود
		﴿إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ﴾ (طه: ۴۷/۲۰)	صراحت در درخواست

جدول ۳. مدیریت دفاع‌های فرعون بر اساس «تحلیل روان‌شناختی» رفتارهای موسی (ع)

۳-۴- شیوه‌های مدیریت رفتار مختص بنی اسرائیل

برخی از واکنش‌هایی که موسی (ع) به‌طور اختصاصی نسبت به قوم خود اعمال نمود، شامل داستان‌سازی، شرکت‌دادن توجیه‌گران در کار، محرومیت از امتیازات و تغییر محیط است.

۳-۴-۱- داستان‌سازی

در مواردی، برای تربیت مخاطب یک رفتار مستقیم کارساز نیست؛ بلکه نیازمند یک طرح و عملکرد پیوسته‌ای است که مراد آن از ابتدا معلوم نیست و مخاطب را در یک چالش فکری قرار می‌دهد، به گونه‌ای که به اعمال بد خود فکر می‌کند و با رجوع به وجدان خود متوجه اشتباهش می‌شود. یکی از این نمایش‌ها، در مورد بازگشت بنی اسرائیل به بت‌پرستی در ماجرای سامری است که موجب شد فرافکنی و دلیل تراشی خود را در این مورد خاص کنار بگذارند و توبه کنند. مدیریت رفتارهای بنی اسرائیل از پیچیده‌ترین موارد است که در ماجرای سامری در سه مرحله انجام شد، در ابتدا موسی (ع) بنی اسرائیل را به خاطر خلف وعده توبیخ کرد و علت آن را جویا شد (طه: ۸۶/۲۰)، سپس، از باب «به در بگو دیوار بشنود» به برادر خود عتاب کرد (طه: ۹۲-۹۳/۲۰؛ اعراف: ۱۷/۱۵۰) و در نهایت، سامری را مورد خطاب قرار داده و قضیه را با از بین بردن گوساله ختم نمود (طه: ۹۵-۹۶).

بعد از نجات بنی اسرائیل از اسارت فرعون، موسی (ع) بنابر دستور خداوند، ۳۰ شب به کوه طور رفت و هارون (ع) را جانشین خود معرفی نمود (اعراف: ۱۴۲/۷). در غیبت موسی (ع) بنی اسرائیل به دلیل تأخیر ایشان (اعراف: ۱۴۲/۷)، تردستی و زیرکی سامری (طه: ۸۸-۸۷/۲۰)، پخش شایعه فرار و خلف وعده موسی (ع) (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۲)، عدم ایمان واقعی و تأثیر گرفتن از محیط بت‌پرستی (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۳۷۶) فریب سامری را می‌خورند و به پرستش گوساله‌ای از طلا که او ساخته بود، مشغول می‌شوند (اعراف: ۱۷/۱۴۸؛ طه: ۸۸/۲۰).

اگرچه هارون (ع) در اصلاح قوم خود کوشید (اعراف: ۱۵۰/۷)، اما در این باره شدت عملی را که موسی (ع) داشت، به علت در مضمیقه قرار گرفتن از ناحیه دشمنانش (اعراف: ۱۵۰/۷) و عدم ایجاد تفرقه بین مردم (طه: ۹۴/۲۰)، به مصلحت ندید. موسی (ع) در کوه طور مطلع شد که خداوند بنی اسرائیل را امتحان کرده است (طه: ۸۵/۲۰) و از طور با حالت غضب، به قوم خود بازگشت و در برخورد با بنی اسرائیل با لحن توبیخ با آن‌ها صحبت کرد و اشتباهشان را گوشزد نمود (طه: ۸۷/۲۰)؛ اما ایشان بدون قبول تقصیر، کار خود را به بهانه اجبار، اکراه و فشار خارجی توجیه کردند (طه: ۸۷/۲۰). بدیهی است که در این فضا هیچ اقدامی در جهت اصلاح وضع موجود کارگر نخواهد بود، مگر این که این فضا به نوعی شکسته شود. از این رو، موسی (ع) به واسطه روان‌شناسی موقعیت، با انداختن الواح و برخورد تند با هارون (ع)، فضای به وجود آمده را شکست (طه: ۹۲-۹۳/۲۰؛ اعراف: ۱۷/۱۵۰). موسی (ع) با این نمایش نوعی شوک به بنی اسرائیل وارد کرد و با این نحوه برخورد با برادر، به قوم گمراه نشان داد که مرتکب گناه عظیمی شده‌اند (طیب، ۱۳۶۹، ج ۹، ص ۸۸/مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۲۸۴). بنابراین،

برخورد تند موسی با هارون (ع)، بر اساس بن‌مایه این تحلیل روش عقلایی «به در بگو تا دیوار بشنود»^۱ است تا وسیله‌ای برای بیدارکردن بنی اسرائیل باشد (نادری، ۱۳۹۱، صص ۴۷-۴۸). به این ترتیب، قوم لجوجی مثل بنی اسرائیل نه تنها اعتراضی نکردند؛ بلکه علاوه بر پشیمانی حاضر شدند برای توبه از این عمل به کشتن یکدیگر روی بیاورند (نادری، ۱۳۹۲، ص ۳۸)، گرچه این مسأله مانند جریان ذبح اسماعیل توسط ابراهیم (ع) امری امتحانی بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۸۷). در این حکایت قرآنی، تظاهر خشونت‌آمیز موسی با برادرش (ع) از باب متنبه کردن قوم با بیانی غیر مستقیم در برابر روحیه توجیه‌گر ایشان است.

۳-۴-۲- شرکت دادن توجیه‌گران در کار

یکی از روش‌هایی که می‌توان نسبت به افراد دلیل‌تراش و توجیه‌گر به کار برد تا از میزان بهانه‌جویی ایشان کاسته شود، افزایش مشارکت ایشان در امور مورد تنش است. بر این اساس، دخالت دادن قوم برای مشاهده، وقوع معجزه یا حفظ آثار آن، موجب همکاری بیشتر جامعه با پیامبر و در نتیجه پذیرش بهتر معجزه و نیل به هدف هدایتی می‌شود. مشارکت دادن بنی اسرائیل در رخداد معجزه بقره (بقره: ۶۷-۷۱) نمونه مناسبی بر این بحث است. گرچه غالب کتب تفسیری در این مورد به بهانه‌گیری و لجاجت در آیات مورد بحث اشاره می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۹۹/ مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۰۴/ طیب، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۵۹/ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۶۱)، اما حضور مردم در ایجاد این معجزه موجب شد تا دیگر بحث و جدلی بعد از آن صورت نگیرد و با عمق جان حقیقت را درک کنند چه اینکه آیات مربوط، روایات ذیل آن و تفاسیر نیز نسبت به ادامه بهانه‌جویی یا رد نتیجه حاصله ساکت‌اند و اینگونه فهم می‌شود که بنی اسرائیل بهانه دیگری برای عدم پذیرش نداشتند و ماجرا فیصله پیدا کرد؛ درحالی‌که برای قوم بهانه‌گیری مانند بنی اسرائیل دور از انتظار نبود که بعد از بهانه‌جویی در مورد ویژگی‌های گاو، به ایرادات دیگری متوسل شوند.

۳-۴-۳- محرومیت از امتیازات

بیشتر انحرافات قوم بنی اسرائیل که در قرآن کریم نقل شده است، در مسیر حرکت از مصر به کنعان ظاهر شد، همان زمانی که بنی اسرائیل فرصت یافتند تا فارغ از جبر اجتماعی، خود واقعی‌شان را نشان دهند. از این رو، مسائل بسیاری بعد از هجرت از مصر به سمت سرزمین مقدس، از سوی ایشان مطرح شد، از جمله درخواست ساختن بت (اعراف: ۱۳۸/ ۷)، گوساله‌پرستی (بقره: ۵۱/ ۲) و درخواست رؤیت خدا (بقره: ۵۵/ ۲). تمام این موارد، موجب شد تا روان‌های ناسازگار و آماده دفاع بنی اسرائیل، دلیل‌تراشی و فرافکنی را به‌طور افراطی از خود بروز دهند. در نهایت، بعد از تخلف از فرمان جهاد با کنعانیان، کار به اندازه‌ای بر موسی (ع) سخت شد که از خدا درخواست اجازه کرد که بنی اسرائیل را رها کند و از آنها جدا شود (مانده: ۵/ ۲۵/ طیب، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۳۴۰).

۱. «وَرَوِيَ عَنْهُ (ص) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ جَمِيعُهُ عَلَى مَعْنَى إِيَّاكَ أَعْنِي وَاسْمِعِي يَا جَارَةَ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۱۵).

محرومیت ۴۰ ساله از سرزمین مقدس که سرشار از مواهب مادی و معنوی بود، به علاوه سرگردانی در بیابان برای تأدیب این قوم از طرف خداوند انجام شد (مانده: ۲۶/۵).

۳-۴-۴- تغییر محیط

بنی اسرائیل به عنوان جامعه‌ای که به روایت قرآن کریم مدت زمان بسیاری تحت سلطه‌ی فرعون زندگی عذاب‌آوری را تحمل می‌کرد، به موجب رسوب روحیه اسارت و ذلت‌پذیری، دچار عقده‌های حقارت، خودکم‌بینی، احساس ذلت و کمبود شده بودند. به همین دلیل، حاضر نشدند در مدتی کوتاه با رهبری پیامبری بزرگ همانند موسی (ع)، روح و جان خود را شستشو داده و با جهشی سریع برای زندگی مقتدرانه همراه با عزت آماده شوند. در نتیجه امر به جهاد را امثال نکردند به خاطر وحشت از مبارزه با کنعانیان که حاصل عادت به سال‌ها خوی بردگی بود (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۴۱). آنها می‌گفتند ما اهل جنگ نیستیم و خودت با خدایت برو و با کنعانیان ساکن فلسطین بجنگ و آنان را از سرزمین قدس بیرون کن (مانده: ۲۴/۵). لذا با نفرین حضرت موسی (ع) گرچه از روی انتقام نبود، در بیابان سرگردان تعدیب و تأدیب شدند. این سرگردانی در محیط جدید چند فایده داشت: ۱) زندگی طولانی در بیابان موجب شد تا نسل توجیه‌گر، طاغی و فاسق به تدریج از میان رفته و نسلی نو پرورش یابد؛ ۲) در محیط صحرا آزادی و حریت وجود داشت، برخلاف محیط مصر که پسران‌شان کشته و دختران‌شان به اسارت برده می‌شدند؛ ۳) مشکلات و سختی‌های بیابان روح و جسم جامعه جدید را نیرومند نمود (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۱۵)، چنانکه امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: درختان بیابانی چوبشان محکم‌تر است^۱، بنی اسرائیل نیز با تجربه زندگی در محیط بیابان و فارغ از بردگی زمان فرعون، روحیه قوی‌تری پیدا کردند. بنی اسرائیل با جایگزینی نسلی صاحب اراده، تحت تعلیمات الهی توانستند دست به جهادی آزادی بخش در سرزمین مقدس بزنند و حکومت حق را برپا دارند (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۴۵).

شیوه اعمال مدیریت	آیات	روش مدیریت دفاع‌ها	دفاع روانی
بشارت به رهایی امید به آینده روشن دعوت به صبر	﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ... وَبَشَّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس: ۸۷/۱۰). ﴿قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (اعراف: ۱۲۸/۷)	زبانی	اطمینان بخشی
بازسازی اجتماع برطرف کردن اندوه	﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ لِقَوْمِكَ مِمَّا بَمِصْرَ يَبُوتًا وَاجْعَلُوا لِيَوْمِكُمْ قِبْلَةً﴾ (یونس: ۸۷/۱۰).	روانی	

۱. «أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُدَاً وَالرَّوَاتِعَ الْخَصْرَةَ أَرْقُ جُلُوداً» (نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۵۵۴).

	﴿وَنَجَّيْنَاهُمَا وَ قَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ﴾ (صافات: ۳۷ / ۱۱۵)		
ایجاد امنیت (عبور از دریا و نجات از دشمن)	﴿وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾ (بقره: ۵۰ / ۲)		
ایجاد رفاه (نوشیدنی و خوردنی‌های پاک و ویژه، سایه انداختن در بیابان)	﴿وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى﴾ (طه: ۸۰ / ۲۰) ﴿وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾ (بقره: ۵۷ / ۲) ﴿وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا﴾ (بقره: ۶۰ / ۲) ﴿وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ﴾ (بقره: ۵۷ / ۲)	فیزیکی	
عدم تحریک لجاجت استفاده از ادبیات عاطفی در سخن با قوم	﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُوذَوْنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ﴾ (صف: ۵ / ۶۱)	مدارا برای حساسیت‌زدایی	
روبرو ساختن افراد نسبت به بهانه‌ها بیان نتایج بهانه‌جویی تو بیخ همراه با برهان نشان دادن راه صواب	﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ (بقره: ۵۴ / ۲) ﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً ... وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (بقره: ۷۴ / ۲) ﴿أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَ لَا يَمْلِكُ لَهُمْ صَرًّا وَ لَا نَفْعًا﴾ (طه: ۸۹ / ۲۰) ﴿وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ فَتِنْتُمْ بِهِ وَإِن رِبِّكُمْ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي﴾ (طه: ۲۰ / ۹۰) ﴿إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (طه: ۹۸ / ۲۰)	آگاه‌سازی	
کاهش بهانه‌جویی پذیرش بی چون و چرای نتیجه	﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً﴾ (بقره: ۶۷ / ۲)	شرکت دادن توجه‌گران در کار	
محرومیت از حضور رهبری موسی (ع)	﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ﴾ (مائده: ۲۵ / ۵)	محرومیت از امتیازات	

محرومت ۴۰ ساله از سرزمین مقدس برای تأدیب مردم	﴿قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً﴾ (مائده: ۵/۲۶)		
تغییر نسل توجیه‌گر تجربه زندگی در محیط آزاد نیرومندی جان و جسم در سختی‌های بیابان	﴿يَتَّبِعُونَ فِي الْأَرْضِ﴾ (مائده: ۵/۲۶)	تغییر محیط	
شکستن فضای توجیه‌گری حاکم (با انداختن الواح و توبیخ هارون) برای پذیرش خطا توسط خود قوم	﴿وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِن بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ﴾ (اعراف: ۷/۱۵۰؛ طه: ۲۰/۹۲-۹۳)	داستان سازی	فرافکنی

جدول ۴. مدیریت دفاع‌های «دلیل‌تراشی و فرافکنی» در بنی‌اسرائیل بر اساس «تحلیل روان‌شناختی» رفتارهای موسی (ع)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به مطالعه شیوه‌های مدیریت موسی (ع) در برابر رفتارهای ناسازگار بنی‌اسرائیل و فرعون با تأکید بر مفهوم دفاع روانی می‌پردازد. بخشی از رفتارهای مذموم بنی‌اسرائیل و فرعون به دلیل وجود مؤلفه‌های مشترک روان‌شناختی با مفهوم دفاع روانی قابل تبیین است. بر اساس واکاوی آیاتی که وقایع قوم بنی‌اسرائیل را روایت می‌کند، دو نوع واکنش در شرایط اضطراب با دفاع‌های روانی «دلیل‌تراشی و فرافکنی» تحلیل می‌شود. از آنجاکه میزان روحیه جاهلانه در این قوم به قدری بود که با موعظه‌های موسی (ع) و دیدن معجزات الهی تصحیح نشد، در اولین فرصت بعد از نجات از فرعون، واکنش ایشان به احساس آزادی و اختیار به شکل گوساله‌پرستی ظاهر شد. ایشان با روان‌های به شدت آماده دفاع به واسطه خوگرفتن به سال‌ها بردگی و ذلت، ابتدا با «فرافکنی» به تطهیر چهره خود پرداخته و تقصیر را گردن سامری انداختند، سپس، با «دلیل‌تراشی» عمل خود را موجه جلوه دادند.

از سوی دیگر، رفتارهای ناسازگار فرعون با دفاع‌های «همه‌کارتوانی»، «بی‌ارزش‌سازی» و «فرافکنی» قابل تحلیل است. وی از طریق «همه‌کارتوانی» با تکیه بر قدرت فرمانروایی سعی داشت موقعیت خود را نزد مردم حفظ کند و با «بی‌ارزش‌سازی»، مردم را نسبت به موسی (ع) و دعوتش بدبین نماید. در نهایت، با «فرافکنی» تلاش کرد تا فسادانگیزی را به وی نسبت دهد، درحالی‌که خود ریشه فساد بود.

بر اساس یافته‌های پژوهش، راهکار تربیتی مناسب در مواجهه با جامعه‌ای با خصلت بنی‌اسرائیل، به شکلی ارائه شده تا با افزایش دانش و اراده در بین افراد جامعه، آنها بتوانند حقارت درونی خود را رفع و عزت نفس خود را بیابند. بنابراین، موسی (ع) با استفاده از «اطمینان‌بخشی و مدارا برای حساسیت‌زدایی» زمینه پذیرش رفتار مناسب را در ایشان به وجود آورد، سپس، از طریق «آگاه‌سازی» سعی نمود ایشان را به عاقبت شر رفتارشان توجه دهد و حتی به منظور تغییر جو روانی از طریق «داستان‌سازی» تلاش کرد تا فضای موجود را به نفع خودآگاهی

نسبت به پذیرش اشتباه پیش برد. همچنین، وی با به کارگیری شیوه «شرکت دادن توجیه‌گران در کار» زمینه اشکال‌تراشی را از بین برد. در نهایت، در برابر افرادی که نسبت به هرگونه پاسخ، مقاومت نشان دادند «محرومیت از امتیازات و تغییر محیط» انجام گرفت تا نسلی صاحب اراده و با روان‌های سالم تربیت شود. موسی (ع) در برابر مقاومت روانی فرعون از «اطمینان‌بخشی و مدارا» نیز استفاده نمود. از این رهگذر علاوه بر رعایت ادب، با حساسیت‌زدایی در فرد استعمارگری چون فرعون و حفظ عزت ساختگی‌اش، شرایط را به گونه‌ای فراهم آورد تا بتواند رسالت خود را ابلاغ نماید. مهمترین روش برخورد با فرعون، «آگاه‌سازی» است چرا که فرعون نسبت به بی‌اعتباری امور مادی کم و بیش توجه داشت ولی با این حال با ارزشمند قلمداد کردن این امور، قوم خود را به استخفاف کشانده بود. موسی (ع) در برابر این منفی‌سازی‌ها، به منفی‌سازی مجدد روی نیاورد، بلکه بر رب العالمین بودن خداوند تأکید داشت و ربوبیت پروردگار را برای او یادآوری کرد.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
- نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات لاهیجی، ۱۳۸۰ ش.
۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین؛ *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*؛ به کوشش مجتبی عراقی، قم: دار سیدالشهداء، ۱۴۰۵ ق.
 ۲. ابن هشام، عبدالله بن یوسف؛ *معنی الادیب عن کتب الاعاریب*؛ برگزیده مغنی الادیب، به کوشش جمعی از اساتید مدارس حوزه علمیه قم؛ واریان، ۱۳۸۶ ش.
 ۳. ابوالفتح رازی، حسین بن علی؛ *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*؛ مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۴۰۸ ق.
 ۴. احدی، بتول؛ ستوده، محمداقرا؛ حبیبی، یعقوب؛ «مقایسه بهزیستی روان‌شناختی و مکانیزم‌های دفاعی در دانش‌آموزان با و بدون لکنت زبان»، *مجله روان‌شناسی مدرسه*، دوره ۱، شماره ۶-۴/۲۲، ۱۳۹۱ ش.
 ۵. اوتمر، اوکهارت؛ اوتمر، زگلینده؛ *اصول مصاحبه بالینی بر مبنای DSM. IV [دی. اس. ام. ۴]*؛ حسین آرومندی، محسن بهشتی، تهران: نسل فردا، ۱۳۸۳ ش.
 ۶. پاشازانوس، احمد؛ رحیمی، معصومه؛ «تحلیل گفتگوی موسی و فرعون در سایه مربع ایدئولوژیک ون دایک»، *دوفصلنامه علمی پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، سال هشتم، شماره دوم، شماره پیاپی (۱۶)، ۱۳۹۸ ش.
 ۷. تبراوی، رامین؛ «تعصب؛ بررسی روان‌شناختی یک رفتار»، *مجله حدیث زندگی*، سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۲۳)، ۱۳۸۴ ش.
 ۸. جادالمولی، محمد احمد؛ *قصه‌های قرآنی*؛ ترجمه: مصطفی زمانی، قم: پژوهش‌اندیشه، ۱۳۸۰ ش.
 ۹. جعفری، یعقوب؛ *تفسیر کوثر*؛ قم: موسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۶ ش.
 ۱۰. خطیب، عبدالکریم؛ *التفسیر القرآنی للقرآن*؛ بیروت: دار الفکر العربی، ۱۴۲۴ ق.
 ۱۱. دهقان نیری، مرضیه؛ سلطانی، علی اصغر؛ مقدسی نیا، مهدی؛ «ادب درگفتمان قرآن: گفت‌وگوی موسی (ع) و فرعون در سوره اعراف»، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۹۷ ش.
 ۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ *تفسیر قرآن مهر*؛ قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
 ۱۳. رفیعی هنر، حمید؛ *روان‌شناسی مهارت‌خویش‌با نگرش اسلامی*؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵ ش.
 ۱۴. زحیلی، وهبه؛ *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج*؛ دمشق: دار الفکر، ۱۴۱۱ ق.
 ۱۵. سبزواری، محمد؛ *ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ ق.
 ۱۶. شولتز، دوان بی؛ شولتز، سیدنی ال؛ *نظریه‌های شخصیت (ویراست دهم)*؛ ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر ویرایش، ۱۳۹۴ ش.
 ۱۷. صادقی تهرانی، محمد؛ *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*؛ قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
 ۱۸. طباطبایی، محمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
 ۱۹. طبرسی، فضل بن حسن؛ *معجم البیان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

۲۰. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۱. طیب، عبدالحسین؛ *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: اسلام، ۱۳۶۹ ش.
۲۲. عباس نژاد، محسن؛ *راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز (۱)*، قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴ ش.
۲۳. عده‌ای از علماء؛ *الأصول الستة عشر*؛ قم: دار الحدیث، ۱۴۲۳ ق.
۲۴. غزالی طوسی، ابوحامد امام محمد؛ *کیمیای سعادت*؛ به کوشش حسین خدیوچم، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰ ش.
۲۵. فخر رازی، محمد بن عمر؛ *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲۶. فضل الله، محمد حسین؛ *من وحی القرآن*؛ بیروت: دار الملائک، ۱۴۱۹ ق.
۲۷. فیست، جس؛ فیست، گریگوری جی؛ رابرتس، تامی آن؛ *نظریه‌های شخصیت*؛ (ویراست هشتم)، ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران: نشر روان، ۱۳۹۶ ش.
۲۸. قرائتی، محسن؛ *تفسیر نور*؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۲۹. قشیری، عبدالکریم بن هوازن؛ *لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم*؛ قاهره: هیئة المصریة العامة للکتاب، ۲۰۰۰ م.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم؛ *تفسیر القمی*؛ قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ به کوشش دارالحدیث، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۳۲. گنجی، حمزه؛ *روانشناسی عمومی*؛ تهران: بعثت، ۱۳۷۸ ش.
۳۳. لارسن، رندی جی؛ باس، دیوید ام؛ *روانشناسی شخصیت: حوزه‌های دانش درباره ماهیت انسان*؛ (ویرایش چهارم)، ترجمه: فرهاد جمهری و همکاران، تهران: نشر رشد، ۱۳۹۵ ش.
۳۴. مدرسی، محمدتقی؛ *من هدی القرآن*؛ تهران: دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ ق.
۳۵. مطهری، مرتضی؛ *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*؛ تهران: صدرا، ۱۳۸۹ ش.
۳۶. مکارم، ناصر؛ *پیام امام شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه*؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش.
۳۷. _____؛ *تفسیر نمونه*؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۳۸. میبدی، احمد بن محمد؛ *کشف الاسرار و عدة الابرار* (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)؛ تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۱ ش.
۳۹. نادری قهفرچی، حمید؛ «بررسی تفسیری عصمت موسی علیه السلام در مواجهه با هارون علیه السلام»؛ فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تفسیری، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۳۹۱ ش.
۴۰. _____؛ «بررسی تحلیل علامه طباطبایی از بازخواست هارون علیه السلام توسط موسی علیه السلام»؛ فصلنامه علمی-پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال نهم، شماره ۳۴، ۱۳۹۲ ش.
۴۱. نولن-هکسما، سوزان؛ فردریکسون، باربارا ل.؛ لاقوس، جفری ر.؛ لوتس، کریستل؛ *زمینه روان‌شناسی اتکینسون و هلیگارد (جلد دوم)* ویراست شانزدهم؛ ترجمه: حسن رفیعی و علی نیلوفری، تهران: کتاب ارجمند با همکاری انتشارات ارجمند، ۱۳۹۵ ش.

42. Cramer, Phebe; *Seven Pillars of Defense Mechanism*; Theory Annual Meeting of the Rapaport-Klein Study Group (www.psychomedia.it/rapaport-klein), Austen Riggs Center, Stockbridge, Massachusetts, 2009.
43. S. Blackman, Jerome; *101 defenses: how the mind shields itself*; Brunner-Routledge, 29 West 35th Street, New York, NY 10001, 2004. www.brunner-routledge.com